

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد در رشته حقوق جزا و جرم شناسی

عنوان پایان نامه :

بررسی جرم شناختی بزه تجاوز به عنف

استاد راهنما :

سرکار خانم دکتر شهلا معظمی

استاد مشاور :

جناب آقای دکتر محمود مهدوی

نگارش :

مریم مهري

پائیز ۱۳۹۰

چکیده:

بزه، بزهکار و علل گرایش افراد به ارتکاب اعمال مجرمانه از جمله مسائلی است که همواره ذهن بشر را به خود مشغول داشته است و در هر دوره تاریخی تفاسیر مختلفی از آن ارائه شده است. معنا و مفهوم انواع مختلف جرایم در دوره های زمانی گوناگون با یکدیگر متفاوت است اما در این میان جرایمی وجود داشته اند که در زمره جرایم طبیعی قرار می گیرند؛ بدین معنا که در همه ادوار زمانی، مکانی، مذموم و ناپسند بوده اند. البته در بعضی دوره های تاریخی این اعمال هرچند زشت و نکوهیده بوده است. جرم انگاری نشده است و به عبارت بهتر در زمره اعمال خلاف قانون نیامده است که از جمله این جرایم باید زنانی به عقب را مورد توجه قرار داد که موضوع تحت و بررسی مجموعه پیش رو است. در این مجموعه تلاش بر آن بوده است تا زوایای مختلف این بزه از دیدگاه جرم شناختی مورد بررسی قرار گیرد که شامل ویژگی های مرتکبین برخی علل روانی و اجتماعی منجر به ارتکاب این دست جرایم و مواردی از این قبیل می گردد. با وجود انواع محدودیتها و معذوریتهای گوناگون در راه برررسی جرم شناختی این دست جرایم، نگارنده تمام توان خود را جهت ارائه چهره ای واضح از این جرم به انجام رسانیده است؛ امید آن که مقبول و مفید افتد.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
۱- موضوع پژوهش، انگیزه انتخاب و اهداف آن	۵
۲- روش پژوهش	۶
۳- موانع پژوهش	۷
۴- سؤالات و فرضیه پژوهش	۸
۵- طرح کلی پایان نامه	۸
فصل اول - کلیات و مفهوم شناسی	۱۰
مبحث اول - تعریف تجاوز به عنف	۱۱
الف - تعریف تجاوز به عنف در حقوق	۱۵
۱ - حقوق ایران	۱۵
۲ - حقوق خارجی	۱۹
ب - تعریف زنای به عنف در فقه	۲۲
مبحث دوم - تاریخچه و تحول مفهوم بزه تجاوز به عنف	۲۸
الف - تاریخچه	۲۸

- ب - تحول تجاوز به عنف در مفهوم بزهکار و بزه دیده ۴۷
- ۱ - قوانین ایران ۴۷
- ۲ - قوانین خارجی ۵۸
- مبحث سوم - ارکان بزه تجاوز به عنف ۶۵
- الف - عنصر قانونی ۶۵
- ب - عنصر مادی ۶۶
- ج - عنصر روانی ۷۲
- د - مجازات ۷۴
- فصل دوم - مبانی جرم شناختی بزه تجاوز به عنف ۸۲**
- مبحث اول - نظریات جرم شناسی ۸۸
- الف - نظریه فشار اجتماعی ۹۰
- ب - نظریه شیکاگو ۹۹
- ج - نظریه معاشرت ترجیحی ۱۰۶
- د - نظریه کنترل ۱۱۱
- ه - نظریات مربوط به بزه دیدگی ۱۱۵

- ۱ - فعالیت عادی ۱۱۶
- ۲- شیوه زندگی ۱۱۷
- مبحث دوم - علل روانشناختی ۱۳۰
- الف - اختلالات روانی ۱۳۲
- ب - تجربیات ناخوشایند ۱۴۳
- ج - تأثیر رسانه‌های پورنوگراف ۱۴۹
- مبحث سوم - تیپ شناسی تجاوز و متجاوزین جنسی ۱۵۹
- الف - انواع تجاوز به عنف ۱۶۰
- ب - ویژگی‌های کلی متجاوزین جنسی ۱۶۵
- فصل سوم - آثار بزه تجاوز به عنف و پیشگیری از آن ۱۷۷
- مبحث اول - آثار بزه تجاوز به عنف ۱۷۸
- الف - آثار جسمی و روانی بر بزه دیده ۱۷۹
- ب - خسارت معنوی ۱۹۰
- ج - پیامدهای اجتماعی ۱۹۵
- مبحث دوم - پیشگیری از بزه تجاوز به عنف ۲۰۰

۲۰۳.....	الف - انواع روشهای پیشگیری از جرم
۲۰۵.....	۱ - پیشگیری کیفری
۲۰۸.....	۲ - پیشگیری غیرکیفری
۲۱۰.....	۱ - ۲ - پیشگیری اجتماعی
۲۱۶.....	۲ - ۲ - پیشگیری وضعی
۲۱۹.....	ب - پیشگیری از جرم در اسلام
۲۲۸.....	نتیجه گیری
۲۳۲.....	فهرست منابع

مقدمه

جرم و بزهکاری از عناصر جدا نشدنی زندگانی بشر در طول تاریخ بوده است. هرکجا که مجموعه ای انسانی زیست می نماید، بی شک رفتارهای مجرمانه نیز در آن اتفاق می افتد، چرا که انسان موجودی منفعت طلب است و همه ابناء بشر در راستای کسب و ارضای این منفعت از یک مسیر عبور نمی نمایند. در همه جوامع افرادی وجود دارند که قادر نیستند میان منافع خود و دیگران تعادل و هماهنگی برقرار نمایند و در پی کسب منابع و ارضای نیازهای خود تا سرحد اضرار به دیگران و از بین بردن منفعت آنها نیز پیش می روند و گاه از آن می گذرند. حتی در زندگی نخستین انسانهای روی زمین هم این اتفاق بوقوع پیوست، آنجا که قابیل نفع خود را در ازدواج با دختر مورد علاقه خویش از دست رفته می دید و برای از بین بردن مانع رسیدن به خواسته خود، دست به قتل برادر خود هابیل زد.

واژه جرم در زمانها و مکانهای گوناگون تعاریف مختلفی به خود دیده است و می توان گفت هر جامعه تعاریف خاص خود را از عمل مجرمانه دارد که ممکن است با تعریف جرم در بسترهای زمانی متفاوت همان جامعه تغییراتی در آن ایجاد گردد به این شکل که از برخی رفتارهای مجرمانه گذشته جرم زدایی گردد یا این که رفتارهای جدیدی به جمع رفتارهای مجرمانه اضافه شود یا به عبارت بهتر جرم انگاری جدید صورت گیرد. لکن بعضی جرایم جزو جرایم طبیعی قلمداد می گردند به این معنا که در همه زمانها و مکانها و در همه جوامع، این رفتارها ناپسند و مذموم تلقی می گردند و افراد جامعه آن را نکوهش می کنند، هرچند نوع واکنش دستگاه عدالت کیفری در جوامع مختلف نسبت به این اعمال از درجات مختلف شدت و ضعف برخوردار است. جرایمی همچون قتل نفس و تجاوزات

جنسی که تعرض و هتاک به تمامیت جسمی اشخاص به حساب می آیند در زمره جرایم طبیعی قرار دارند.

اما پرسشی که همواره در این خصوص مطرح بوده این است که چه علل و عواملی منجر به این میگردند که افراد به سمت رفتارهای مجرمانه گرایش داشته باشند. در طول تاریخ پاسخهای متفاوت و گاه متضادی برای این سؤال ارائه شده است. زمانی علت وقوع رفتار مجرمانه را نفس شیطانی یا حلول شیطان در وجود شخص می پنداشتند و به همین علت او را مستحق سخت ترین مجازاتها می دانستند. با ظهور علم جرم شناسی، علت شناسی رفتار مجرمانه چهره جدیدی به خود گرفت و در هر دوره تاریخی از عمر این علم تا به امروز، دلایل مختلفی برای بروز رفتار مجرمانه ارائه شده است. در نظریه کلاسیک فرد آزاد و دارای اراده و اختیار معرفی شده است که خود آگاهانه دست به ارتکاب جرم می زند اما چندی بعد نظریه تحقیقی یا اثبات گرا از جبر سخن به میان آورد، بدین صورت که انسان موجودی است مقهور طبیعت زیستی و روانی خویش و در رفتارهایی که از او سر می زند آزادی عمل وجود ندارد. طبق دستاوردهای این نظریه مجرمان افرادی هستند که طبیعت آنها را در مسیر ارتکاب جرم قرار داده است و تنها کاری که در مقابل آنها می توان انجام داد شاید درمان باشد و نه مجازات. به مرور زمان نظریات جامعه شناختی در جرم شناسی پا به عرصه وجود نهادند و تلاش بر توجیه این امر داشتند که جرم در نتیجه شرایط مختلف اجتماعی بوقوع می پیوندد و عامل فردی نقشی کم رنگ تر از عامل اجتماعی در بروز رفتار مجرمانه دارد.

در نظریه پردازی جامعه شناختی تأکید اصلی روی بافت اجتماعی است که جرم در آن واقع می شود. به بیانی دیگر، بزه و بزهکاران را فقط در ارتباط با ساختار اجتماعی و شرایط و فرایندهای خاص است که می توان به خوبی شناخت. البته در دل این بحث گسترده که براساس آن تفسیر رفتار بزهکارانه فقط از طریق عوامل اجتماعی امکانپذیر است، گستره متنوعی از نظریه های گوناگون به

چشم می خورد. برای مثال، برخی جرم را نتیجه فقر اقتصادی و تفاوت اقشار مختلف جامعه از این منظر می دانند و برخی دیگر معتقدند هم نشینی و مجالست افراد با یکدیگر است که رفتارها را آموزش می دهد و اگر نوع این آموزه ها مجرمانه باشد افراد شرکت کننده در این گردهمایی ها رفتارهای مجرمانه انجام خواهند داد. برخی دیگر برای جرم واقعیت خارجی قائل نیستند و آن را مفهومی ذهنی و انتزاعی می دانند که از ذهن

اقشار بالادست جامعه تراوش می کند و هرچه را که آنان مضر و نامطلوب بدانند برچسب مجرمانه به خود می گیرد حتی اگر در واقع امر این فعل، مجرمانه نباشد.

البته در این که مهمترین دلایل بروز چنین رفتارهایی چیست، هرکس نگاه خاص خود را دارد اما همین نگاهها در دل خود عناصری از حقیقت را عاری از تفاسیر پیچیده به همراه دارند. نقایص ارثی، جمعیت زیاد، مراقبت ناکافی والدین و همراه شدن با رفقای ناباب، مثالهایی هستند که به عنوان دلایلی برای رفتار بزهکارانه بیان گردیده اند. نکته مهم این است که در بررسی این نظریه ها نباید انتظار دستیابی به تفاسیری بی عیب و نقص یا دلیل اصلی رفتار بزهکارانه داشت هرچند رفتار بزهکارانه چنان گستره ای از فعالیتها را در کوله بار خویش به همراه دارد که رسیدن به چنین هدفی غیرواقعی جلوه می کند.

امروزه در تبیین های جرم شناختی رفتار مجرمانه علل و عوامل مختلفی مورد بررسی قرار می گیرند. از جمله این علتها علل روانی و اجتماعی جرم است که تحت عناوین علل درونی و بیرونی جرم مطرح می شوند. در جرم شناسی امروز برکسی پوشیده نیست که در بروز یک عمل مجرمانه تنها مجرم قابل سرزنش نیست، بلکه گاه تأثیر عواملی خارج از اراده و کنترل شخص مرتکب از چنان قدرت و نفوذی برخوردارند که سرزنش مجرم را از اذهان دور می نماید. تأثیرات خانواده، فرهنگ

جامعه، گروه‌های دوستی، آموزش‌های مدارس، رسانه‌ها، نوع تربیت مردسالار در جوامع، وضعیت اقتصادی، میزان بیکاری، تفریحات سالم سنین جوانی، امکانات اطلاع‌رسانی صحیح و حتی وضعیت و شرایط مذهبی حاکم بر خانواده و جامعه از عوامل قدرتمندی هستند که اگر اشکالی در آنها وجود داشته باشد، تنها دست به دست هم دادن چند مورد از اینها و همنوا شدن آن با اراده ضعیف و جامعه‌پذیری پایین و خویش‌داری اندک مرتکب، می‌تواند فجایع انسانی عظیمی به بار آورد که تجاوزات جنسی از زمره این اتفاقات هولناک است.

یکی دیگر از مسائلی که در جرم‌شناسی امروز مطرح است، نقش بزه‌دیده در وقوع جرم است که در جرایم جنسی توجه ویژه‌ای به آن می‌شود. در واقع به عوامل مختلف بروز رفتارهای مجرمانه باید نوع تعامل بزه‌دیده را هم در نظر داشت و از تأثیرات آن بر رفتار بزهکار غافل نشد. بزه جنسی از جرایم رو به افزایش در جوامع از جمله جامعه کنونی ما

می‌باشد و پرداختن به علل مختلف وقوع این جرم از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. از همین رو یکی از مسائل بسیار مهم که در جرم‌شناسی مطرح می‌باشد، بحث پیشگیری از جرایم است که روش‌های مختلفی برای آن پیشنهاد می‌گردد. آنچه امروز در جرم‌شناسی مطرح است، تنها علت‌شناسی جرم نیست بلکه راه‌های متعددی نیز برای مقابله با این علتها مطرح است که هر یک از آنها یکی از علل جرم را مورد توجه قرار می‌دهد؛ در واقع جرم‌شناسی نیز به صراحت به این امر اذعان دارد که «پیشگیری بهتر از درمان است».

۱ - موضوع پژوهش، انگیزه انتخاب و اهداف آن

عنوان این پژوهش «بررسی جرم شناختی بزه تجاوز به عنف است»، بزه‌ی که همواره نزد افکار بشر ناپسند و خوفناک بوده است و حتی نام آن احساس بدی را در شنونده ایجاد می‌نماید. قبل از هرچیز لازم است گفته شود که هرچند منظور از تجاوز به عنف برای همگان روشن است، اما در کنار هم قرار گرفتن دو واژه «تجاوز» و «عنف» در یک عبارت صحیح به نظر نمی‌رسد چرا که واژه «تجاوز» خود در برگیرنده مفاهیم عنف، اکراه، عدم تمایل و مواردی از این دست می‌باشد و تکرار واژه «عنف» در کنار آن بیهوده و لغو می‌نماید. البته همانطور که پیشتر گفته شد این عبارت برای اذهان آشناست و به بیان بهتر غلطی مصطلح است که بهتر است به جای آن از عبارت «تجاوز جنسی» استفاده گردد.

در این پژوهش - همانگونه که عنوان آن رسا و گویاست - سعی در بررسی جرم شناختی بزه تجاوز جنسی شده است و از میان تجاوزات جنسی مختلف، زنانی به عنف مدنظر قرار گرفته است. در بررسی‌های به عمل آمده هم علل بزهکاری و هم علل بزه دیدگی در این جرم در حد بضاعت و دانش پژوهشگر مورد توجه قرار گرفته است.

انگیزه انتخاب این موضوع از جانب نگارنده در بدو امر شنیدن اخبار فراوان و رو به تزاید تجاوزات جنسی نسبت به هر دو جنس زن و مرد در اجتماع امروزی ما بوده است. اخباری که ترس را در دلها ایجاد می‌نماید و احساس امنیت را در انسان با تزلزل مواجه می‌سازد و همواره این سؤال را به دنبال خود دارد که چرا آمار تجاوز جنسی در جامعه ما روبه افزایش است و چه راهی برای کاهش میزان وقوع این بزه دهشتناک وجود دارد؟ در پی آن به دلیل علاقه وافر به جرم‌شناسی که به عقیده نگارنده به طور مستقیم با جنس بشر سروکار دارد و از بشری‌ترین گرایشات حقوق محسوب

می‌گردد، باعث شد تا بررسی جرم شناسانه علت‌های وقوع بزه تجاوز جنسی به عنوان موضوع پایان نامه کارشناسی ارشد انتخاب گردد.

هدف از پژوهش حاضر ارائه برخی دلایل وقوع تجاوزات جنسی است که از اهمیت بسیار بالایی برخوردار می‌باشد. چرا که اگر علت چیزی شناخته نشود، هیچگاه نمی‌توان با آن به مبارزه پرداخت یا از آن پیشگیری نمود. با شناسایی برخی علل مؤثر در این جرم، طبیعتاً شناسایی راه‌های پیشگیری از آن نیز ساده‌تر می‌گردد. ضمن آن که پرداختن به این چنین جرایمی در جوامع امروزی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. ما هرروزه شاهد افزایش میزان استفاده از ابزارهایی همچون اینترنت و ماهواره هستیم که فرهنگ برهنگی را ترویج می‌نمایند و از سوی دیگر در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که اینگونه اعمال در آن بسیار نکوهیده و قبیح است. نتیجه این تعارضات فرهنگی همان افزایش جرایم جنسی به ویژه جرایم اکراه‌آمیز است که پیامد آن کاهش احساس ناامنی و افزایش ترس از جرم برای جامعه و مختل شدن روند زندگی عادی و طبیعی برای بزه‌دیده و ایراد خساراتی به اوست که گاه تا پایان عمر جبران نمی‌شوند. به همین سبب در وضعیت فعلی جامعه ضرورت انجام پژوهشهایی از این دست بیش از پیش خود را می‌نمایاند، و گزاف نیست اگر بگوییم مطالبی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته اند هر یک پژوهشی جداگانه می‌طلبد.

۲ - روش پژوهش

روش این پژوهش با توجه به ماهیت جرم شناسانه آن روش توصیفی - تحلیلی است و در آن از منابع اینترنتی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. لازم به ذکر است که علیرغم تحقیقات مختلفی که با موضوع جرایم جنسی انجام گرفته است اما هیچ پژوهشی به بزه خاص زنای به عنف نپرداخته است بدین شکل که هم علل وقوع و هم راه‌های پیشگیری از آن در یک جا مطرح گردد. به این ترتیب باید

گفت که سابقه‌ای از پژوهش اینچنینی در زمینه جرم‌شناسی یا سایر رشته‌های مرتبط یافت نشده و موجود نمی‌باشد.

۳- موانع پژوهش

انجام پژوهش در زمینه‌های گوناگون جرم‌شناسی عمدتاً نیازمند تحقیقات میدانی و گردآوری آمار و مستندات است تا بتوان گفت یافته‌های آن به نتیجه‌ای رسیده است. به عبارت بهتر آمار و مطالعات میدانی است که به پژوهشگر جرم‌شناسی کمک می‌نماید تا فرضیات مطرح شده در پژوهش خویش را به اثبات برساند و اساساً تحقیقات میدانی در راستای اثبات یا رد فرضیه‌ای مشخص است که صورت می‌گیرد. این پژوهش نیز با توجه به عنوان آن که بررسی جرم‌شناختی بزه تجاوز به عنف می‌باشد، به تحقیقات میدانی نیازمند بود تا فرضیات احتمالی آن به اثبات برسد. اما نکته در اینجاست که متأسفانه علیرغم تلاشها و پیگیریهای یک ساله پژوهشگر در جهت تکمیل آمار و اطلاعات موجود در این زمینه در نهادهایی همچون دادگاه کیفری استان تهران، پلیس آگاهی، زندانها و ... نتیجه آن شد که دسترسی به آمار موجود در خصوص این جرم جزو خطوط قرمز محسوب می‌گردد که حتی از نزدیک شدن به آن باید اجتناب نمود! حال آن که انجام تحقیقات میدانی در زمینه جرمی که مبتلابه جامعه در یک دوره می‌باشد، در همان دوره باید انجام گیرد تا با بررسی علل و عوامل و نیز مرتکبین و بزه‌دیدگان آن جرم، امکان کاستن از میزان وقوع آن فراهم گردد. به هرتقدیر این امکان برای پژوهشگر این پایان‌نامه فراهم نگردید و همچون آرزویی باقی ماند تا شاید در فرصتی دیگر جمع‌آوری آماری چنین با اهمیت و ارائه آن حداقل در مجامع دانشگاهی و تخصصی فراهم گردد. سختی و مشقت انجام کار میدانی و پس از آن ممانعت از ارائه همان اطلاعات محدود جمع‌آوری شده می‌تواند هر دانشجو و پژوهشگری را از ادامه کار منصرف گرداند و ذوق و انگیزه او را کاملاً کور کند که این

خود بسی مایه تأسف و یکی از عوامل رویگردانی از تحقیقات میدانی و گاه نگارش پایان‌نامه‌های تکراری و گاه خالی از فایده است.

۴ - سؤالات و فرضیه پژوهش

با توجه به مطالبی که در خصوص موانع این پژوهش بیان گردید باید گفت که ارائه فرضیه‌ای مشخص در خصوص این پژوهش ممکن نبود، چرا که به علت عدم دسترسی به آمار و اطلاعات و منابع موثق امکان رد یا اثبات آن وجود نداشته است. اما از جمله سؤالاتی که این پژوهش درصدد پاسخگویی به آنها می‌باشد این است که تأثیر عوامل اقتصادی در بروز و ظهور جرایم جنسی چیست؟ عوامل روانی در مورد مرتکبین این جرم چگونه مطرح می‌گردند و کدامند؟ راههای پیشگیری از وقوع جرایم جنسی چیست؟ البته ناگفته نماند که ارائه پاسخ قطعی به این سؤالات و سؤالات دیگری از این دست در صورت دستیابی به منابع آماری و اطلاعات واقعی امکانپذیر است که امید است در پژوهشی دیگر امکان پاسخ به این سؤالات در کشور ما فراهم گردد. باین وجود تلاش شده است که با توجه به یافته‌های موجود در این زمینه در دیگر کشورها که در قالب نظریات مختلف و آمار مربوط به آن ارائه شده است، پاسخهای آن مورد استفاده قرار گیرد.

۵ - طرح کلی پایان نامه

این پژوهش در سه فصل ارائه گردیده است. فصل اول تحت عنوان کلیات و مفهوم شناسی و در قالب سه گفتار به بیان مفهوم بزه تجاوز جنسی، عناصر و نیز تاریخچه کوتاهی از آن می‌پردازد. فصل دوم تحت عنوان مبانی جرم‌شناختی طی سه گفتار علل جرم‌شناسانه این بزه را مورد بررسی

قرار می دهد. در فصل سوم آثار بزه تجاوز به عنف و روشهای پیشگیری از آن را در دو گفتار
مورد مطالعه قرار داده است. در نهایت نیز نتیجه پژوهش ارائه گشته است.

فصل اول:

کلیات و مفهوم شناسی

فهم معنای هر امری با تجزیه و تحلیل عناصر آن امکانپذیر است و از همین راه است که امکان نقد و اظهار نظر در باب یک موضوع فراهم می‌گردد. بزه تجاوز به عنف، عملی ننگ‌آمیز و شناخته شده در طول تاریخ است و مسأله مبهمی در خصوص معنای آن وجود ندارد. اما از آنجا که پژوهش حاضر به بررسی جرم شناختی این بزه پرداخته است، لازم دانسته شد که قبل از هر چیز منظور از نوع خاص بزه تجاوز به عنف که در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد و نیز پیشینه و تاریخچه مختصری از این جرم ارائه گردد تا ماحصل پژوهش هرچه بیشتر مفید و مؤثر واقع شود.

مبحث اول - تعریف تجاوز به عنف

در یک تعریف کلی گفته شده است که جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی، رفتارهای مجرمانه‌ای است که اخلاق و عفت عمومی را جریحه‌دار کرده و در قانون جزا تحت همین عنوان برای آن مجازات قانونی در نظر گرفته شده است. اینگونه جرایم کیان و بقاء خانواده را با خطر مواجه نموده و باعث اشاعه منکرات و مفساد اجتماعی در جامعه می‌باشد.^۱ در این میان مقصود از جرایم جنسی مفهوم عامی است که کلیه ارتباطات جنسی طبیعی یا غیرطبیعی مانند زنا، هم‌جنس‌بازی، جریحه‌دار کردن حیا و عفت دیگران و حتی ارتکاب عمل جنسی مشروع در حضور دیگران را در بر می‌گیرد.^۲ آنچه که در این تحقیق مد نظر است، صورت خاصی از جرم جنسی است که تحت عنوان کلی تجاوز به عنف شناخته شده است و وجه تمایز آن با سایر جرایم جنسی در این است که عنصر رضایت طرفینی در اینجا مخدوش است؛ به عبارت دیگر در این شکل از جرم جنسی که زنای به عنف

۱ طهماسبی نیک، علی اشرف، سیاست جنایی اسلام در برخورد با بزهکاری و بزه دیدگی زنان، انتشارات برگ زیتون، چاپ اول،

۱۳۸۳، ص ۶.

۲ پیشین، ص ۱۵۴.

می‌باشد، یکی از طرفین علیرغم میل باطنی خود و تنها به دلیل اعمال فشار از طرف مقابل در رابطه جنسی درگیر می‌شود و از همین روست که او را قربانی یا بزه‌دیده می‌خوانند و برخلاف سایر جرایم جنسی، نه تنها مفعول یا بزه‌دیده این جرم قابل ملامت و سرزنش و در واقع مستحق مجازات نیست، بلکه باید به انحاء مختلف مورد حمایت قرار گیرد تا خدشه و خسارت وارد ه به کرامت انسانی به یغما رفته او تا حدی جبران گردد؛ هرچند هر عملی در این راستا شاید تنها مرهمی موقتی بر زخم عمیق ایجاد شده باشد و نه بیشتر.

همانگونه که پیشتر در مقدمه بیان شد کلمه «تجاوز» خود در بر گیرنده همه لوازم «عنف» می‌باشد و کنار هم قرار دادن این دو واژه در یک عبارت، صحیح نیست. اما تعاریف مختلفی که در این زمینه موجود است، همگی همین عبارت «تجاوز به عنف» را مورد استفاده قرار داده و به تبیین آن پرداخته‌اند که در ذیل برخی از آنها مورد اشاره قرار می‌گیرند.

به طور کلی، تجاوز به عنف نوعی رفتار خشن و تحقیرآمیز است که از طریق اعمال جنسی صورت می‌گیرد. این عمل برای ابراز قدرت و خشم انجام می‌شود و در چنین مواردی ندرتاً رابطه جنسی موضوع اصلی می‌باشد و اکثراً مسائل جنسی به خدمت نیازهای غیر جنسی در می‌آیند.^۱

با توجه به این تعریف می‌توان همه انواع تجاوزات جنسی را در ذیل مفهوم «تجاوز به عنف» جای داد. به عبارت دیگر هرگونه عمل جنسی خشونت آمیز که همیشه همراه با تحقیر طرف مقابل است، اتفاق افتد در صورتی تجاوز به عنف قلمداد می‌گردد که در آن موضوع جنسی در درجه دوم اهمیت قرار گیرد. البته چنان که توضیح آن خواهد آمد، این ادعا به نظر صحیح می‌رسد که تجاوز به

۱ اوحدی، بهنام، تمایلات و رفتارهای جنسی انسان، انتشارات صادق هدایت، چاپ پنجم، ۱۳۸۴، ص ۳۰۷.

عنف یا به عبارت بهتر، تجاوز جنسی می‌تواند شامل طیف وسیعی از اعمال جنسی مجرمانه گردد که در آن تنها یک طرف مایل به انجام عمل جنسی - از هر نوع و به هر درجه که باشد - است و طرف دیگر خود را قربانی بی‌اراده و اختیار این عمل می‌داند. با این وجود تعریف رایج تجاوز به عنف به این صورت است: «ارتکاب عمل نزدیکی با یک زن یا دختر برخلاف میل و توافق او؛ خواه غلبه بر تمایل او با تهدید به اعمال زور انجام گیرد، خواه به کمک دارو یا مواد مسموم کننده و یا به دلیل نقایص عقلانی، قربانی قادر به قضاوت منطقی نبوده و یا سنش پایین‌تر از سن اختیاری رضایت باشد»^۱.

تعریف فوق ترکیبی است از برخی تعاریف موجود در خصوص «تجاوز به عنف» که عوامل مختلفی از جمله اعمال تهدید یا زور به هر وسیله و یا توجه به سن رضایت را که در حقوق غربی بیشتر بدان پرداخته شده است، مد نظر قرار داده است. اما آنچه وجه مشترک اکثر قریب به اتفاق تعاریف موجود از این جرم می‌باشد و در این تعریف هم بدان تصریح شده لزوم مؤنث بودن قربانی است که برخلاف میل و توافق خود در عمل جنسی درگیر شده باشد. به دیگر سخن این تعریف و سایر تعاریف مشابه، دیگر جرایم جنسی را علیه جنس زن و نیز جرایم جنسی همراه با عنف و اکراه را که ممکن است قربانی در آن مرد باشد، از دایره شمول تجاوز به عنف خارج ساخته‌اند. به نظر می‌رسد که تعریفی بدین شکل باید اختصاص به تبیین جرم خاص **زنای به عنف** (که مورد نظرماست) داشته باشد تا اخراج سایر صور جرایم جنسی اکراهی از آن توجیه‌پذیر باشد. اما با عنایت به تعاریف موجود که به تشریح «تجاوز به عنف» پرداخته‌اند و با مطالعه آنها می‌توان فهمید که تقریباً همگی در صدد تعریف «زنای به عنف» هستند، ما نیز از برخی از این تعاریف برای روشن شدن این مفهوم استفاده

۱ پیشین، ص ۳۰۸.